

یادداشت

ترامپ و پایان جنگ اوکراین صلح یا فرصت طلبی؟



بهمن اکبری

رأیزن فرهنگی سابق ایران در عمان

جریان ترامپ و جمهوری خواهان به شکل فزاینده‌ای بر پایان سریع جنگ اوکراین تأکید می‌کنند؛ پاپانی که حتی اگر به معنای پذیرش بخشی از دستاوردهای روسیه باشد، برای آنها تحمل‌پذیر است. پرسش اینجاست: چرا؟ نخست، از نگاه ترامپ، رقیب اصلی آمریکا چین است، نه روسیه. جنگ اوکراین منابع و انرژی واشنگتن را می‌بلعد و تمرکز استراتژیک بر مهار پکن را مختل می‌کند. توقف جنگ، امکان تمرکز دوباره بر تایوان و شرق آسیا را فراهم می‌آورد. دوم، هزینه‌های مالی این جنگ برای آمریکا و اروپا بسیار سنگین بوده است. با توجه به بدهی انباشته و فشار تورمی، ادامه حمایت از اوکراین، نه از نظر اقتصادی و نه در افکار عمومی قابل دفاع نیست. ترامپ با شعار «اول آمریکا» ترجیح می‌دهد منابع را صرف بازسازی داخلی یا رقابت‌های سودآورتر کند. سوم، انبارهای تسلیحاتی غرب به شدت خالی شده‌اند. بخش بزرگی از سامانه‌های پدافندی به اوکراین ارسال شده و نیاز به بازسازی فوری احساس می‌شود. پایان جنگ، فرصتی است برای آماده‌سازی مجدد در برابر بحران‌های احتمالی با چین یا خاورمیانه. چهارم، حضور هزاران جنگجوی داوطلب یا مزدور در اوکراین، ظرفیتی است سیال برای انتقال به میدان‌های دیگر؛ از غزه و لبنان تا آفریقا و شرق آسیا. این نیروها می‌توانند تضمین‌کننده بخشی از نقشه‌های آینده غرب باشند. از سوی دیگر، در کنار همه این عوامل نباید بُعد انتخابات داخلی آمریکا را فراموش کرد. ترامپ در آستانه انتخابات، خود را به عنوان مرد صلح معرفی کرده، به عنوان کسی که پایان دهنده جنگی است که بایدن آغاز کرده بود. او می‌کوشد شکست اوکراین را به پای دموکرات‌ها بنویسد و در مقابل، تصویر خود را به عنوان ناجی تقویت کند. اما واقعیت این است که اوکراین در وضعیت شکننده‌ای قرار دارد. ادامه جنگ می‌تواند به فروپاشی کامل دولت کی‌یف و هرج و مرج در اروپا منجر شود. برای ترامپ، توافق زودهنگام با روسیه «کم‌هزینه‌ترین» گزینه به نظر می‌رسد. در پایان اینکه نگاه ترامپ به اوکراین آمیزه‌ای است از واقع‌گرایی ژئوپلیتیک و فرصت‌طلبی انتخاباتی. اما پرسش اساسی همچنان باقی است: آیا این سیاست می‌تواند صلحی پایدار برای اروپا به همراه بیاورد یا تنها بخشی از بازی ترامپ برای ناک‌بازت به کاخ سفید است؟

خبر

سیدمحمد خاتمی بعد از عارضه قلبی در سلامت است

محمدرضا خاتمی، برادر سیدمحمد خاتمی، با توجه به انتشار اخباری درباره سلامتی رئیس‌جمهوری اسبق ایران توضیحاتی ارائه داد. به گزارش ایسا، سیدمحمدرضا خاتمی، برادر سیدمحمد خاتمی برای تئویر افکار عمومی، با توجه به انتشار اخباری درباره سلامتی رئیس‌جمهوری اسبق ایران، گفت: پس از احساس درد در قفسه سینه و تداوم آن و علائم دیگری که نشانه درگیری قلبی جناب آقای خاتمی بود، وضعیت ایشان از سوی پزشکان بررسی و پس از اینکه مسجل شد دچار عارضه قلبی و گرفتگی رگ شده‌اند، آنژیو پلاستی انجام و بجمداالله نتیجه کار بسیار خوب بود. او تصریح کرد که درحال‌حاضر ایشان تحت نظر پزشکان، مراحل درمانی خود را طی می‌کنند. در پی عمل آنژیو پلاستی سیدمحمد خاتمی، جغت‌الله‌المسلمین علی اکبر ناطق‌نوری در تماس تلفنی جوابی احوال او شد و آرزوی سلامتی کرد. افشار مختلف مردم، از جمله شماری از هنرمندان و شاعران و برخی شخصیت‌های سیاسی و علمی از جمله دکتر مصطفی محقق‌داماد، علی اکبر صالحی، جعفر قائم‌پناه، غلامحسین کرباسچی، فاطمه راکعی، فاطمه سالاروند و... نیز در تماس‌های جداگانه از آخرین وضعیت سیدمحمد خاتمی باخبر شده و برای او از خداوند سلامتی مسئلت کردند.

سختگوی رزمایش موشکی اقتدار پایدار ۱۴۰۴ خبر داد: ارتش رزمایش موشکی برگزار می‌کند

سختگوی رزمایش موشکی اقتدار پایدار ۱۴۰۴ گفت: مرحله عملیاتی رزمایش موشکی اقتدار پایدار ۱۴۰۴ نیروی دریایی ارتش از فردا با رمز «یا محمد رسول الله (ص)» آغاز می‌شود. به گزارش روابطعمومی ارتش، امیر دریادار دوم عباس حسن حسینی، سخنگوی رزمایش موشکی اقتدار پایدار ۱۴۰۴ نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، با اعلام خبر آغاز این رزمایش از فردا، اظهار کرد: مرحله عملیاتی رزمایش موشکی اقتدار پایدار ۱۴۰۴ نیروی دریایی ارتش، با حضور یگان‌های شناور سطحی و زیرسطحی، یگان‌های پروازی، سایت‌های موشکی ساحل به دریا، سایت‌های موشکی دریا پایه و یگان‌های جنگالی به مدت دو روز در محدوده شمال اقیانوس هند و دریای عمان برگزار خواهد شد. او ادامه داد: در این رزمایش با توجه به تجربیات به‌دست‌آمده در سنوت‌ گذشته و دستورالعمل ابلاغی پرتاب‌های موشکی، تمرینات جنگالی و تمرینات پهبادی اجرا می‌شود. سختگوی رزمایش موشکی اقتدار پایدار ۱۴۰۴ نیروی دریایی ارتش درباره موشک‌های استفاده‌شده در این رزمایش نیز بیان کرد: در این رزمایش قرار است از طیف گسترده موشک‌های کروز نقطه‌زن با بردهای کوتاه، بلند و میان‌برد برای اصابت و انهدام اهداف شناور سطحی استفاده شود.

نگاهداری؛ اصلاحات نظام اداری از دستگاه‌هایی با پیچیدگی‌های کم شروع شود

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس با بیان اینکه اصلاحات نظام اداری باید از دستگاه‌هایی با پیچیدگی‌های کم شروع شود، گفت: چابک‌سازی و اصلاح نظام اداری، شبیه کار جراحی است و جراحی بدون خون‌ریزی امکان‌پذیر نیست و باید بپذیریم در این زمینه نمی‌توان همه را راضی کرد. به گزارش روابطعمومی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، نشست بررسی سند مأموریت-وظایف اساسی و الزامات اصلاح ساختار کلان وزارت جهاد کشاورزی و سازمان‌های وابسته و شرکت‌های تحت مدیریت، با حضور بابک نگاهداری، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس و مسئولان و مدیران مرتبط سازمان اداری و استخدامی و وزارت جهاد کشاورزی، در مرکز پژوهش‌های مجلس برگزار شد. بابک نگاهداری در این نشست عنوان کرد: سند مأموریت-وظایف اساسی و الزامات اصلاح ساختار کلان وزارت جهاد کشاورزی و سازمان‌های وابسته و شرکت‌های تحت مدیریت مصوب ۲۱ خرداد ۱۴۰۴ شورای عالی اداری درباره بازرراحی ساختار وزارت جهاد کشاورزی، با هدف رسمی چابک‌سازی، هوشمندسازی و منطقی‌سازی اندازه وزارتخانه ابلاغ شده است. نگاهداری در بخش دیگری از سخنان خود، تصریح کرد: باید از دستگاه‌هایی که پیچیدگی‌های کمتری دارند، اصلاحات نظام اداری را شروع کنیم. رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس تأکید کرد: مسئله مهم در این‌میان چگونگی اجرا با کمترین هزینه است که این هم هنر سیاستمداران و سیاست‌گذاران است.

وحیده کریمی: چهارشنبه ۲۹ مرداد، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، در چارچوب سفری رسمی و در پاسخ به دعوت الکساندر لوکاشنکو، رئیس‌جمهور بلاروس، وارد مینسک شد. استقبال رسمی و باشکوه از رئیس‌جمهور ایران در کاخ ریاست‌جمهوری بلاروس، هم‌زمان با نواخته‌شدن سرود ملی دو کشور و رژه یگان‌های تشریفات، گویای اهمیت استراتژیک این سفر و مرحله نوینی از همکاری‌های دوجانبه است که بر بستر تاریخی و سیاسی مستحکم شکل گرفته است.

پیشینه روابط ایران و بلاروس؛ بنیاد یک همکاری راهبردی
روابط ایران و بلاروس را باید در بستری تاریخی ارزیابی کرد که از سال ۱۳۷۱ آغاز شد؛ زمانی که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از نخستین کشورها، استقلال بلاروس را به رسمیت شناخت و روابط دیپلماتیک برقرار کرد. انتخاب سفیر ایران در اوکراین به عنوان سفیر اکرویدته در بلاروس، گواه عمق و جدیت ایران در توسعه این ارتباط نوپا بود. در سال‌های پس از آن، شاهد توسعه سریع مناسبات دو کشور بودیم. نخست‌وزیر بلاروس در سال ۱۳۷۳ به تهران سفر کرد و در پاسخ، معاون اول رئیس‌جمهور وقت ایران به مینسک رفت و موافقت‌نامه‌هایی در حوزه‌های سرمایه‌گذاری، تجارت، فرهنگ، حمل‌ونقل و همکاری‌های نظامی امضا شد. برگزاری نخستین نشست کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور در همان سال نشان داد دو طرف به دنبال پیوندهایی فراتر از دیپلماسی معمول هستند. سفرهای متقابل رؤسای جمهور در سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ که به امضای چندین سند همکاری منجر شد، زمینه را برای گسترش همکاری‌های دوجانبه فراهم آورد. در این دوره، افتتاح سفارت‌های دو کشور در تهران و مینسک، به عنوان نمادهای ارتقای سطح روابط سیاسی و دیپلماتیک، گام‌های مهمی در تقویت ارتباطات محسوب می‌شد.

توسعه روابط در دهه‌های اخیر و تحولات جدید
در دهه‌های بعدی، تعاملات دو کشور همواره در سطوح مختلف سیاسی و اقتصادی ادامه داشت؛ از دیدارهای معاونان رئیس‌جمهور، وزرای خارجه، دفاع و صنعت و معدن گرفته تا همکاری در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی. آغاز دولت یازدهم در سال ۱۳۹۲، بار دیگر روابط را وارد فاز تازه‌ای کرد و با تبادل هیئت‌های بلندپایه، گشایش ساختمان جدید سفارت ایران در مینسک و افزایش همکاری‌ها، نشان داد دو کشور چشم‌انداز بلندمدت و رو به توسعه‌ای را دنبال می‌کنند. نقطه عطف این روند، سفر تاریخی الکساندر لوکاشنکو به تهران در اسفند ۱۴۰۱ و امضای هشت سند همکاری در حوزه‌های تجاری، حمل‌ونقل، کشاورزی و فرهنگی بود که راه را برای ایجاد نقشه راه جامع همکاری‌های دو کشور هموار کرد.

تلاش برای عبور از تحریم‌ها و یک‌جانبه‌گرایی

سفر رئیس‌جمهور به بلاروس در این بستر تاریخی انجام شد، باین‌حال، فراتر از یک ملاقات دیپلماتیک، این سفر حامل پیام‌های مهمی در عرصه سیاست خارجی و اقتصاد مقاومتی است. پزشکیان در دیدار با لوکاشنکو به صراحت بر ضرورت همکاری‌های مشترک برای غلبه بر تحریم‌های ظالمانه غرب و یک‌جانبه‌گرایی

سفر مسعود پزشکیان به بلاروس؛ نقطه عطفی راهبردی در روابط دو کشور

تهران – مینسک؛ فراتر از تحریم‌ها



تأکید کرد و گفت: «ایران و بلاروس باور دارند که می‌توانند با همکاری جدی بر مشکلات غلبه کنند». این موضع سیاسی نه‌تنها از یک اتحاد استراتژیک خبر می‌دهد، بلکه بازتابی از اراده دو کشور در تقویت همکاری‌های چندجانبه و مقابله با فشارهای آمریکا و متحدان اروپایی آنهاست. از سوی دیگر، رئیس‌جمهور بلاروس این سفر را فرصتی طلایی برای گسترش همکاری‌ها دانست و تأکید کرد بلاروس همواره شریک قابل اعتماد ایران بوده و با اعتماد متقابل، می‌توان موانع موجود را برطرف کرد. اشاره لوکاشنکو به دیدار خود با مقام معظم رهبری و درخواست ارسال پیام‌های خود به ایشان نیز نمایانگر عمق روابط شخصی و دیپلماتیک دو کشور است.

تأکید بر همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی؛ اوراسیا، شانکهای و بریکس

در نشست مشترک هیئت‌های عالی‌رتبه دو کشور، پزشکیان با اشاره به دیدگاه‌های مشترک در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، به نقش ایران و بلاروس در ساختارهای منطقه‌ای مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا، سازمان همکاری شانگهای و گروه بریکس تأکید کرد. او این سازمان‌ها را بستری برای تسهیل تعاملات و ارتقای همکاری‌های سازنده دانست. این رویکرد نشان می‌دهد تهران و مینسک، در تلاش برای حضور فعال و مؤثر در نظام چندقطبی جهانی هستند و می‌کوشند با اتکا بر این ساختارها، ضمن کاهش اثرگذاری تحریم‌ها، زمینه توسعه روابط اقتصادی و سیاسی خود را فراهم کنند. به این ترتیب، سفر پزشکیان نه‌تنها یک گام در روابط دوجانبه، بلکه بخشی از سیاست کلان جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان است.

دستاوردهای سفر؛ نقشه راه جامع و تعهد به پیگیری

پزشکیان در نشست‌های مختلف بر لزوم افزایش حجم مبادلات تجاری و ارتقای سطح همکاری‌ها تأکید کرد. او حجم کنونی تجارت دو کشور را «ناچیز در مقایسه با ظرفیت‌های موجود» دانست و وعده داد که توافقاتی به‌دست‌آمده را شخصاً پیگیری خواهد کرد. این تعهد نشان از اراده جدی دولت ایران برای عملیاتی‌کردن نتایج سفر دارد.

لغو روادید و تدوین سند راهبردی مشترک

عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، با اشاره به رشد ۱۴درصدی تجارت دوجانبه در سال گذشته، لغو روادید و تدوین سند راهبردی مشترک را عوامل مهمی برای ارتقای روابط اقتصادی و سیاسی دو کشور معرفی کرد. همچنین صالحی امیری، وزیر میراث

فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، بر ظرفیت‌های گردشگری دو کشور تأکید کرد و لغو روادید و راه‌اندازی پروازهای مستقیم را گامی کلیدی برای افزایش تعاملات مردمی دانست.

مواضع مشترک در قبال تهدیدها و تجاوزهای منطقه‌ای

یکی از نکات برجسته این سفر، مواضع مشترک ایران و بلاروس در قبال حملات تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی و آمریکا به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای ایران بود. لوکاشنکو در سخنرانی خود در اجلاس سران اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ضمن ابراز همدردی با ایران، این حملات را نقض آشکار قوانین بین‌المللی و منشور ملل متحد دانست. پزشکیان نیز ضمن تشکر از مواضع قاطع بلاروس، تأکید کرد ایران هرگز آغازگر جنگ نبوده و پاسخی قاطع به تعرضات خواهد داد. این مواضع مشترک، نمادی از اتحاد سیاسی دو کشور در عرصه بین‌المللی بوده و بیانگر همکاری راهبردی آنها در حمایت از چندجانبه‌گرایی، حق حاکمیت ملی و مقابله با سلطه‌طلبی‌های یک‌جانبه است.

چشم‌انداز روابط؛ از توسعه همکاری‌های اقتصادی تا تحکیم ارتباطات مردمی

پزشکیان در نشست مطبوعاتی مشترک با لوکاشنکو تصریح کرد که جمهوری اسلامی ایران برای توسعه روابط با بلاروس هیچ محدودیتی قائل نیست. نقشه راه همکاری‌های جامع که در سفر گذشته رئیس‌جمهور بلاروس به تهران امضا شد، مسیر واضحی برای آینده روابط است و باید به طور کامل اجرایی شود. در این میان، موضوعاتی کلیدی مانند توسعه همکاری‌های گمرکی، سرمایه‌گذاری مشترک، افزایش ترانزیت کالا و مسافر، حل مشکلات بخش خصوصی و تأمین کالاهای مورد نیاز دو طرف نیز مورد توافق قرار گرفتند. همچنین در حوزه رسانه و ارتباطات مردمی نیز سه‌گانه‌ی به امضای رسید تا تصویر واقعی و مشترکی از تاریخ، فرهنگ و ظرفیت‌های دو کشور منتشر شود. این امر، نشان‌دهنده تلاش برای تعمیق روابط اجتماعی و فرهنگی فراتر از سطح دولت‌هاست.

فصلی نو در روابط استراتژیک ایران و بلاروس

سفر رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان به بلاروس در شرایطی انجام شد که جهان به‌سرعت در حال تغییر است و قدرت‌های بزرگ تلاش دارند نظم جهانی را به نفع منافع خود بازتعریف کنند. در این میان، کشورهایی مانند ایران و بلاروس که تحت فشار تحریم‌ها و سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه قرار دارند، نیازمند همکاری‌های راهبردی برای حفظ منافع ملی و توسعه پایدار خود هستند. این سفر، نمادی از اراده دو کشور برای تبدیل چالش‌ها به فرصت‌ها و همکاری بر مبنای احترام متقابل و منافع مشترک بود. تعهدات و اسناد به‌دست‌آمده، امید به تقویت و ارتقای روابط تهران-مینسک را به عنوان نمونه‌ای موفق از همکاری‌های جنوب-جنوب بیشتر می‌کند. پزشکیان در تویییتی پس از پایان سفر تأکید کرد: «سفر به بلاروس نقطه عطفی در روابط دو کشور است و نتایج حاصل، مسیر همکاری‌های راهبردی آینده را روشن‌تر می‌کند». این جمله، پاسخی به تحولات جاری و آینده‌ای پرامید برای تهران و مینسک است که در مسیر تعاملات راهبردی گام برمی‌دارند.

«شرق» از دور جدید حملات به روحانی و ظرفیت گزارش می‌دهد

جدال روایت‌ها در سیاست داخلی

دستگاهی که فقط به عده‌ای محدود وابسته باشد، قدرتمند نیست. تجربه سهال‌های ۶۰ و ۶۱ نشان داد که حضور مردم در صحنه، کلید موفقیت در برابر توطئه‌ها بوده و امروز نیز چنین دستگاده می‌تواند نقاط ضعف را جبران کند. روحانی در اهمیت توجه به خواست مردم تأکید کرد و گفت حاکمیت باید خواسته‌های مردم را در اولویت قرار دهد. رئیس‌جمهور دوره‌های یازدهم و دوازدهم خواستار ایجاد فضایی شد که در آن احزاب قوی بتوانند کاندیدهای صالح را معرفی کنند و صلاحیت‌ها به‌جای نهادهای خاص، به احزاب واگذار شود. به باور او، نجات کشور در گرو خدمت به مردم و پذیرش حاکمیت ملی بر اساس افکار و نظرات آنهاست. همچنین کمک به دیگر کشورها نباید به ضرر ملت ایران باشد. روحانی به اهمیت تقویت دستگاه تبلیغاتی ملی اشاره کرد و پیشنهاد داد علاوه بر کانال‌های ملی صداوسیما، کانال‌های خصوصی نیز تحت نظارت جمعی ایجاد شوند تا صدای مردم شنیده شود؛ مشابه روزنامه‌های خصوصی، رئیس‌جمهور اسبق کشور، همچنین خواستار قوه قضائیه‌ای مستقل شد که فارغ از گرایش‌های سیاسی و قومی عمل کند. او بر ضرورت محدودشدن نیروهای مسلح به وظایف ذاتی خود، یعنی دفاع و امنیت، تأکید و بیان کرد اقتصاد، تبلیغات و سیاست خارجی نباید در حوزه نیروهای مسلح باشد. دستگاه اطلاعاتی نیز باید صرفاً بر اطلاعات تمرکز کند، نه فعالیت‌های اقتصادی. رئیس پیشین قوه مجریه ایران، واگذار اقتصاد به مردم در چارچوب قانون و بدون محدودیت را ضروری دانست و تصریح کرد پیشرفت اقتصادی نباید با سقف‌های مصنوعی محدود شود. در نهایت، روحانی بر طراحی استراتژی ملی نوین تأکید کرد که باید براساس خواست مردم باشد. این استراتژی باید نقاط قوت ۴۶ سال گذشته را تقویت و نقاط ضعف را اصلاح کند. او پیشنهاد کرد که در صورت تردید در تصمیم‌گیری‌ها، با مردم مشورت شود تا استراتژی ملی بر توسعه و عظمت ایران متمرکز باشد، ضمن اینکه در حد توان به دیگران کمک کند. به گفته او، اگر ۹۰ میلیون ایرانی پشت حاکمیت باشند، هیچ قدرتی نمی‌تواند این ملت را شکست دهد. محمداحود ظریف، وزیر امور خارجه اسبق جمهوری اسلامی ایران هم در نوشته‌ای برای فارن پالیسی از فرارسیدن زمان تغییر پارادیم گفت و نوشت: «ایران با فشارکرد در یک گفت‌وگوی چندوجهی، آینده‌نگر و نتیجه‌محور، منافع زیادی به دست می‌آورد و مصائب عظیمی را دفع می‌کند. مسیر پیش‌رو می‌تواند شامل ایجاد یک شبکه منطقه‌ای برای عدم اشاعه و همکاری هسته‌ای صلح‌آمیز (طرح مناره)، احتمالاً همراه با یک توافق عدم تجاوز بین ایران و آمریکا باشد. ما نمی‌توانیم گذشته را نادیده بگیریم و نباید از آموختن از آن دست بکشیم، اما باید از زندانی شدن در شکست‌های

یک نکته، یک نظر

دوستان کمی فکر کنید



احمدشیرزاد

این دومین باری است که دست به قلم می‌شوم تا از موضع نصیحت برادرانه و پرسش دوستانه با عزیزان جبهه اصلاحات سخن بگویم. شهادیت بیانیه اخیر دوستان درخواست «اعلام آماذگی تعلیق داوطلبانه غنی‌سازی و پذیرش نظارت آژانس انرژی اتمی در قبال رفع کامل تحریم‌ها» است. در این درخواست، عبارت «در قبال رفع کامل تحریم‌ها» در آخر جمله به کار رفته است؛ نکته ظریفی است در این نگارش. می‌شد عبارت را برعکس نوشت و از مقامات جمهوری اسلامی این‌چنین درخواست کرد: «چنانچه طرف مقابل حاضر است تحریم‌ها را کامل بردارد، شما نیز به تعلیق داوطلبانه غنی‌سازی و پذیرش نظارت آژانس رضایت دهید». به ظاهر به دو بیان از یک موضوع‌گیری حکایت دارند؛ اما معنایی که این دو بیان در فضای سیاسی القا می‌کنند زمین تا آسمان متفاوت است.

در عبارتی که «دوستان به کار برده‌اند فرض نانوشته آن است که اولاً ادامه فرایند غنی‌سازی و ممانعت از پذیرش آژانس ریشه مشکل است و ثانیاً ایران با پیش‌دستی در اعلام تعلیق غنی‌سازی می‌تواند دل طرف مقابل را نرم کند و آنها را به رفع تحریم‌ها راضی کند. هر دو فرض با تردید جدی روبه‌روست. فراموش نکنیم که اصل حق غنی‌سازی، صرف نظر از چند و چون آن، در برجام مورد پذیرش ۵+۱ قرار گرفته بود و تنها مخالف سرسخت آن از ابتدا اسرائیلی‌ها بودند. اگر به آرشو خبرها مراجعه کنیم حتی در جریان مذاکرات غیرمستقیم اخیر بین نماینده آمریکا و وزیر خارجه ایران، گاهی صحبت از تعلیق غنی‌سازی شده بود. اما گهگاه نیز اصل موضوع مورد چالش نبود و آمریکایی‌ها به نوعی نشان می‌دادند که می‌توانند با اصل غنی‌سازی کنار بیایند.

در بحث بازرسی‌ها هم تا قبل از جنگ ۱۲روزه جالشی وجود نداشت. در تمام سال‌های اخیر و در دولت‌های جمهوری بازرسی‌ها انجام می‌شد و با وجود کش‌وقوس‌های طرف مقابل، همکاری ایران با بازرسان محل مناقشه نبود. دوستان جبهه اصلاحات طوری نوشته‌اند که گویا ادامه غنی‌سازی، تحت هر شرایطی و با هر میزانی و عدم همکاری با بازرسان آژانس، موضع ازلی و ابدی جمهوری اسلامی ایران بوده و همین امر به تابویی بر سر مصالحه با غربی‌ها و لغو تحریم‌ها تبدیل شده است. واقعیت تلخ آن است که پس از جنگ اخیر، که آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها در تلاش هستند ژست طرف پیروز آن را بگیرند، مواضع غربی‌ها در قبال ایران به ظاهر سخت‌تر شده و کار رسیدن به توافق را دشوارتر می‌کند. در چنین شرایطی چقا در حق کشور است که کاسه و کوزه نرسیدن به توافق را بر سر جمهوری اسلامی ایران بشکنیم و جفای بیشتر، ناپدیدگرفتن همدش‌چشم و نیز مین مذکره زدن و دست‌زدن به تجاوز نظامی آشکار آمریکایی‌هاست. سؤال طبیعی آن است که چرا عزیزان جبهه اصلاحات در این مقطع، که ضرورت همدلی ایرانیان از هر طیف و طایفه بیشتر است، برعکس زده‌اند و به سیم آخر و اوج داوطلبانه خواسته حداکثری طرف مقابل را از حکومت درخواست می‌کنند. فرض نانوشته بیانیه حاکی از آن است که گویا امکان دستیابی به مصالحه‌ای که در آن ایران بتواند به نوعی فعالیت‌های هسته‌ای خود را تحت نظارت آژانس ادامه دهد، وجود ندارد و تنها راه رسیدن به توافق، دست‌شستن از همه چیز است.

عرض بنده این است که تا قبل از جنگ اخیر فرض رسیدن به یک مصالحه بدون تعطیل کامل برنامه هسته‌ای موضوعیت داشت و اصلاً به همین دلیل مذاکره انجام می‌شد. الان هم چنین مصالحه‌ای منطقی و دست‌یافتنی است. حال هر ضرورتی دارد که صورت‌سنسله در بیانیه جبهه اصلاحات با این صراحت و تند ی بر اجرای خواسته‌هایی از طرف مقابل متمرکز شود که حتماً ژست قدرتمندانه و تبلیغاتی ناپجای آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها پس از جنگ تحمیلی ۱۲روزه آنان است. دوستان کمی فکر کنید.